

صغری خیل فرهنگ

آن قدر از بنیاد شهید گله داشت که خیلی سخت راضی به گفت‌وگو شد. آن قدر دلش از بی توجهی مسئولان نسبت به همسر جانبازش «شهید عزت‌الله اصغری مشهدی» پر بود که باید صحبت‌هایش را از میان آشک‌های بی‌امانش بیرون می‌کشیدم. مصاحبه‌ای که به خاطر شرایط روحی همسر شهید خیلی زودتر و خلاصه‌تر از آنچه فکرش را می‌کردم به پایان رسید. همه سختی‌های ۲۳ سال زندگی مشترک تو گرس اصغری را کنار بگذاریم شاید بتوانیم معنای عشق و ایثار نسبت به همسر جانباز را کمی بهتر درک کنیم اما عشق این همسر جانباز به همسرش به همین جا ختم نمی‌شود؛ «تو گرس اصغری مشهدی» آن قدر به همسرش علاقه داشت که نام خانوادگی او را برای خودش انتخاب کرد.

شهید مشهدی کلای‌ای از جانبازان عملیات مرصاد بود که بنیاد شهید برای او ۷۰درصد و ناچار برایش ۱۰۰درصد جانبازی تعیین کرده بود. در سال‌های پایانی عمرش با عشق و محبت از همسرش با عشق از او مراقبت می‌کرد. روایت کوتاهی از زندگی جانباز شهید عزت‌الله اصغری مشهدی را در گفت‌وگو با «تو گرس اصغری مشهدی» همسرش پیش رو داریم.

همکلامی مان را که با همسر جانباز آغاز کردم، به خاطر شرایط روحی‌اش از ما خواست با پرسش صحبت کنیم اما به رسم ادب به ساخت زبانی که قدم به قدم و لحنه به لحنه در کنار جانبازان نفس کشیدند با همسر شهید گفت‌وگوی مان را شروع کردیم. با شنیدن نام خانوادگی‌اش، گفتم قطعاً نسبت فامیلی با همسرش داشته و همین بهانه از دواجش با عزت‌الله اصغری مشهدی جانباز ۱۰۰درصد را فراهم کرده است، برای همین نسبتش با شهید را می‌پرسم، می‌گوید: من و همسرم با هم نسبت فامیلی نداریم اما هر دو اهل ساری هستیم. نام خانوادگی‌ام رعیت‌نژاد بود که به خاطر علاقه‌ای که به همسرم داشتم فامیلی‌ام را به نام ایشان تغییر دادم. بارها و بارها از علاقه و عشق همسران جانباز شنیده و خوانده بودم اما گویا تو گرس اصغری نمونه دیگری از آن زنان است. او این گونه ادامه می‌دهد: «من و عزت‌الله سال ۱۳۷۶ با هم ازدواج کردیم و از آن روز تا امروز ۲۳سال است که افتخار همراهی‌اش را داشتم.»

نام خانوادگی
همکلامی مان را که با همسر جانباز آغاز کردم، به خاطر شرایط روحی‌اش از ما خواست با پرسش صحبت کنیم اما به رسم ادب به ساخت زبانی که قدم به قدم و لحنه به لحنه در کنار جانبازان نفس کشیدند با همسر شهید گفت‌وگوی مان را شروع کردیم. با شنیدن نام خانوادگی‌اش، گفتم قطعاً نسبت فامیلی با همسرش داشته و همین بهانه از دواجش با عزت‌الله اصغری مشهدی جانباز ۱۰۰درصد را فراهم کرده است، برای همین نسبتش با شهید را می‌پرسم، می‌گوید: من و همسرم با هم نسبت فامیلی نداریم اما هر دو اهل ساری هستیم. نام خانوادگی‌ام رعیت‌نژاد بود که به خاطر علاقه‌ای که به همسرم داشتم فامیلی‌ام را به نام ایشان تغییر دادم. بارها و بارها از علاقه و عشق همسران جانباز شنیده و خوانده بودم اما گویا تو گرس اصغری نمونه دیگری از آن زنان است. او این گونه ادامه می‌دهد: «من و عزت‌الله سال ۱۳۷۶ با هم ازدواج کردیم و از آن روز تا امروز ۲۳سال است که افتخار همراهی‌اش را داشتم.»

گریه امانش نمی‌دهد و می‌گوید: «آشنایی ما بعد از معرفی یک واسطه اتفاق افتاد. آن‌هم در شرایطی که ایشان جانباز بود. یک جشن ساده فصل آغازین زندگی مشترک مان شد. کاملاً با شرایط روحی و جسمی ایشان آشنا بودم اما علقه‌ای که به ایشان پیدا کرده بودم بهانه‌ای شد که کنارشان بمانم و شهادتش باعث شد که امروز سعادت همراهی‌اش از من گرفته شود.

همه دارایی من

از همسر شهید می‌خواهم کمی از ویژگی‌های اخلاقی مردی برآیم بگوید که این گونه او را شقیته خودش کرده بود. می‌گوید: عزت‌الله نمونه بود. من آن قدر دوستش داشتم که نمی‌خواستم از خاطرات تلخ جبهه برآیم بگوید که نکند مرور آن خاطرات، مگدرش کند. هر قدر از خوبی‌های او برایشان بگویم کم‌گفتم‌ام. شاید باور نداشت اما اخلاق نیکو و محسنات او در قالب کلمات نمی‌گنجد. ۲۳سال همراه هم بودیم. هر چه در زندگی جانباز دیدم همه زیبایی و لطف خدا بود. هیچ مشکلی نداشتم، خیلی در کنارش احساس شادی و غرور می‌کردم. در مدتی که با هم زندگی کردیم هر کاری از دستم برمی‌آمد برایش انجام می‌دادم. به همه امور او رسیدگی می‌کردم. او همه دارایی من در زندگی بود.

گفت‌وگوی «جوان» با همسر جانباز عزت‌الله اصغری مشهدی کلای‌ی که به تازگی آسمانی شد

سخت‌است دیدن جای خالی مردی که به حضورش می‌بالیدم